

## نقش امپراتوری عثمانی بر تدوین جنبش مشروطه ایران

عبدالرضا شهریاری<sup>۱</sup>

نبی اله زارعی<sup>۲</sup>

### چکیده

تحولات عثمانی وجوه اشتراک و تشابهات فراوانی با تحولات ایران داشته و به نظر می‌رسد هرآنچه که در آنجا اتفاق افتاده با فاصله اندکی در ایران نیز به وقوع پیوسته است و این مسئله ما را به موضوع دیگری نیز رهنمون می‌سازد و آن تأثیراتی است که تحولات عثمانی و ایران بر یکدیگر داشته‌اند. در روند انقلاب مشروطه ایران عوامل داخلی و خارجی چندی نقش داشته است. عواملی که ریشه‌های درونی و فکری و بعضی دیگر ریشه‌های سیاسی و اجتماعی داشته‌اند. این مقاله در پی بررسی نقش حکومت عثمانی در تحولات فکری و سیاسی جنبش مشروطه‌خواهی ایران است. براساس نتایج تحقیق، دولت عثمانی هم در زمینه سازی فکری جنبش مشروطه در ایران تأثیر گذار بوده و هم در فرآیند وقوع آن از طرق مختلف نقش‌آفرینی کرده است که می‌توان آن‌ها را به عواملی از جمله رجال، نخبگان، روشنفکران، آزادیخواهان، حوزه نجف، عتبات عالیات، تجار، نویسندگان، انجمن‌ها و سفارت عثمانی در ایران از آن جمله بوده است.

**کلید واژه‌ها:** انقلاب مشروطه، امپراتوری عثمانی، واگرایی.

۱- دکتری تاریخ ایران اسلامی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد قادرآباد

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد قادرآباد

## مقدمه

انقلاب مشروطه یکی از مهمترین تحولاتی است که تاریخ معاصر را از گذشته آن جدا کرده و حیات سیاسی، اجتماعی جدیدی را برای ایران رقم زده است. در تدارک مقدمات مشروطه خواهی در ایران امپراتوری عثمانی هم به انحای مختلف اثرگذار بود و زمینه ساز آشنایی ایرانیان با مشروطه در کنار دولت های اروپایی به شمار می رود. بررسی دقیق اندیشه های اصلاح طلبانه در ایران نشان دهنده تشابه جدی بین دغدغه های این اصلاح طلبان با خواسته های اصلاحی در عثمانی است. چهارچوب اصلی تفکر مشروطه منبعت از تحولات سیاسی اروپا بود و امپراتوری عثمانی هم به عنوان دهلیز واسط نقش مؤثری در انتقال این اندیشه ها به ایران ایفا کرد. این مسئله ما را به موضوع دیگری نیز رهنمون می سازد و آن تأثیراتی است که در تحولات عثمانی و ایران بر یکدیگر گذاشته اند وجود مناسبات سیاسی و مراودات تجاری و بازرگانی در کنار روابط فرهنگی به شکل عجیبی تحولات دو جامعه را به هم شبیه ساخته است. این نشانه در تحولات عثمانی و ایرانی در قرن نوزدهم بیش از هر زمان دیگری خود را نمایان می سازد.

## روابط ایران و عثمانی

بر این اساس نظریه روابط شرقی اسلامی که برای تبیین مفهومی روابط ایران و عثمانی و در سطحی عام تر شرق اسلامی پیشنهاد می شود، با استناد به داده های تاریخی الگوی سنتی و در حال گذر سیاست خارجی ایران و عثمانی، عناصر موقوم نظریه روابط شرقی - اسلامی به شرح زیر ارائه می دهد:

۱- سرزمین های غنی و به هم پیوسته آسیای غربی سبب شده بود که دولت های ایران و عثمانی ماهیتی برّی در مقابل دولت های بحری، مانند اسپانیا و انگلستان داشته باشند. مقایسه وسعت خاک اصلی اسپانیا و انگلستان با مساحت دولت های ایران و عثمانی خود گویای این مطلب است.

۲- با توجه به موقعیت برّی این دولت‌ها، توسعه سرزمینی از سیاست‌های محوری و همیشگی آنان بوده است که روابط ایران و عثمانی را دائماً دستخوش تعارض و نوسان می‌کرده است.

۳- عملکرد دولت‌های ایران و عثمانی را در عرصه سیاست خارجی بر حسب حفظ، افزایش یا نمایش قدرت می‌توان تعریف کرد.

۴- روابط ایران و عثمانی را با توجه به تداوم و تصلب سنت‌های دیرپای خاورمیانه بررسی و مطالعه کرد که آمیزه‌ای از استبداد پدر شاهی، سنت‌های کشورداری و دیوان سالاری شرقی، ساختار ایلی - عشیرتی قدرت سیاسی و آموزه‌های فقهی - کلامی حکومت اسلامی بوده است.

۵- دولت‌های ایران و عثمانی با توجه به مقتضیات منطقه‌ای و جهانی به تناوب خواهان حفظ وضع موجود، توسعه طلبی و کسب اعتبار بودند.

۶- روابط ایران و عثمانی خصلتی مستقل، مستمر و همه‌جانبه (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) داشته است؛ ضمن اینکه مطامع و مداخله قدرت‌های بزرگ اروپایی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار خارجی در سمت و سو دادن به این روابط بوده است. روابط (تقابل) ایران و عثمانی دارای مؤلفه و مشخصات زیر است:

#### الف: ساختار مذهبی

عثمانیان براساس سنت غزا و جهاد و اندیشه خلافت اسلامی بر آن بودند که دنیای مسلمانی واحدی ایجاد کنند. عثمانی‌ها که ادعا می‌کردند که فقط رهبران اسلامی هستند که نه تنها مسئول قلمرو عثمانی، بلکه مسئول دیگر قلمروهای اسلامی نیز هستند. در مقابل سلسله صفویان خط مشی‌ای را دنبال می‌کرد که دولت را با مذهب شیعه در محدوده‌ای مبهم به هم آمیخته بود. برای صفویان ضروری بود که این شیوه را برگزینند؛ زیرا آنان بین دو رقیب سنی قدرتمند قرار گرفته بودند. عثمانی‌ها در غرب و ازبکان در شرق آنان به شدت نیاز به داشتن جامعه‌ای یکپارچه از

لحاظ مذهبی را احساس می‌کردند؛ بنابراین، صفویان حرکت خود را براساس بنیادی صوفی، شیعی که به اندیشه امامت پیوند خورده بود آغاز کرد.

### ب: ساختار سیاسی

مؤلفه دیگر واگرایی در روابط ایران و عثمانی را باید در شرایط سیاسی، اجتماعی حاکم در آن زمان بررسی کرد. با ردیابی این ریشه‌ها درمی‌یابیم که از نظر عثمانی‌ها بخش غربی ایران، آناتولی جنوبی و شمال سوریه در موقعیت‌های بحرانی و حساسی قرار داشتند، جمعیت این مناطق را یک سره طوایف ترکمن تشکیل می‌دادند که در طول نیمه اول قرن پانزدهم توان زیادی کسب کرده بودند. قدرتمندی این طوایف به دنبال شکست سیاسی تمرکزدهی عثمانی‌ها پس از مبارزات تیمور بر ضد ایران، سوریه و آناتولی حاصل شده بود. ترکمن‌ها در حقیقت پشتیبان صفویان بودند و با علایق معنوی شدیدی که میراث تبلیغ صفویان پیشین در آن مناطق بود. به آنان پیوند خورده بودند (المهاجر، ۱۹۸۹: ۹۷ و ۹۸). صفویان قادر بودند که این جمعیت را برای پیشبرد طرح‌ها و اهداف سیاسی خود در برابر عثمانی‌ها به کار گیرند.

### ج: ساختارهای اقتصاد و تجارت جهانی

هم‌زمانی ایران و عثمانی با آغاز استعمار اروپایی و افزون‌خواهی نظام بورژوازی غرب، آنان را به عرصه پیچیده سیاست بین‌المللی سوق داد. دولت‌های توسعه‌طلب اروپایی که آوازه ثروت مشرق زمین را شنیده بودند. به جهت کسب اطلاعات کامل از اوضاع و احوال این مناطق به سوی ممالک آسیایی روی آوردند و در وهله نخست به برقراری ارتباط با دول شرقی، از جمله ایران پرداختند. امپراتوری عثمانی که در این زمان مقتدرترین دولت مسلمان به حساب می‌آمد با تسلط بر مناطق ساحلی دریای مدیترانه‌ای آن را به دریای داخلی مبدل ساخته بودند و انحصار تجارت شرق به غرب را به دست گرفته بود (قاضی، ۱۳۶۸: ۳۷/۱). همچنین عثمانی

مترصد بود که نواحی (قفقاز و کرانه دریای خزر) را به تصرف خود درآورد و از این طریق بر راه بازرگانی ولگا - خزر تسلط یابد. این مسئله اروپائیان را به وحشت انداخت و درصدد برقراری ارتباط نزدیک‌تر با ایران برآمدند و کوشیدند جبهه واحدی در برابر عثمانیان تشکیل دهند. در تحلیل ریشه واگرایی ایران و عثمانی در این دوره و در میان مؤلفه‌های چندگانه دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عامل دین برجسته‌ترین و شایان توجه بیشتری است. اگرچه برخوردهای ایران و عثمانی ریشه در تضادهای واقعی میان شیعه و سنی نداشت و در واقع شکل جدید فرقه صفویه بود که دین را با سیاست در هم آمیخته بود و دولت عثمانی هم نمی‌توانست با دولتی خارجی که اتباع و شهروندان ایشان را از خارج امپراتوری زیر نفوذ می‌گرفت، کنار بیاید. دیگر اینکه برخوردهای ایران و عثمانی صرفاً نبردی محلی بین دو همسایه مسلمان نبود. این رویارویی در حقیقت تنازعی بین دو قدرت مسلمان به جهت تصاحب رهبری جهان اسلام بود.

#### د: همگرایی متنزل

صفت همگرایی متنزل به دورانی معطوف است که ایران و عثمانی پس از یک رشته جنگ طولانی سرانجام با تصدیق ساختارهای سیاسی، مذهبی موجود وارد مرحله همگرایی شدند. مفهوم همگرایی بیش از هر چیز ناظر به تأیید موجودیت ساختارهای سیاسی هر دو کشور است. همگرایی مذکور بیش از آنکه در مقوله ساختارها به‌ویژه ساختار سیاسی - دینی باشد بیشتر ناشی از عامل توازن قوا و مقتضیات جدید بین‌الملل است. مرتبه چنین همگرایی متنزل است؛ یعنی قابلیت ارتقاء تا سطح یک راهبرد منطقه‌ای را ندارد. به همین دلیل است که بین ایران و عثمانی هیچگاه اتحادی واقعی شکل نگرفت. در سایه چنین تحولی روابط ایران و عثمانی از محوریت جنگ خارج شد و به محور تعادل، تقابل گرایید که نوسانات آن بین تعامل تابع اوضاع و مقتضیات سیاسی، اجتماعی خاص آن دوره بود. همگرایی ایران و عثمانی در این

دوره ماهیتی متنزل داشت نه مطلق؛ زیرا واگرایی دوشادوش همگرایی حرکت می‌کرد هر چند به قوت گذشته نبود، به هر حال به تکوین یک اراده مشترک و ایجاد یک همگرایی راهبردی، مانند آنچه بین انگلستان و روسیه در برابر ناپلئون اتفاق افتاد منجر شد و اگر هم بنا به ضرورت‌های سیاسی، مانند وجود دشمن مشترک اتحادی بین دو دولت شکل گرفت و در همان گام نخست عقیم ماند و از قوه به فعل در نمی‌آمد؛ زیرا عثمانی دائماً در قبال ایران به جای سیاست حفظ وضع موجود سیاست تجدیدنظر را در پیش می‌گرفت. البته در دوره قاجار نسبت به دوره صفوی و نادری سیاست عثمانی به حفظ موجود نزدیک‌تر بود.

#### ۱- مشروطه

واژه دولت مشروطه constitutionalism از فعل toconstitute (تشکیل دادن و بنیان گذاشتن) می‌آید که از ریشه لاتینی constitueve (برپا داشتن و ایجاد و تأسیس کردن) گرفته شده است. از نظر لغوی آنچه برپا داشته می‌شود تشکیل و تأسیس می‌گردد و در نتیجه می‌توان به محتوای آن چه تشکیل و تأسیس شده به عنوان اساس و مبنا constitution اشاره کرد چون تشکیل دادن همان تأسیس کردن است؛ بنابراین (اساس یا مبنا) قانون و قاعده‌ای است که تأسیس شده است (وینسنت، ۱۳۷۱: ۱۲۳). به همین دلیل بسیاری constitutionalism را معادل قانون اساسی نیز می‌آورند و نظام مشروطه را حکومتی تلقی کرده‌اند که براساس قانون اساسی اداره شود. قانون اساسی هم به معنی عام کلمه به کلیه قواعد و مقرراتی گفته می‌شود که مربوط به قدرت، انتقال و اجرای آن است؛ بنابراین، موازین و اصول حاکم بر روابط سیاسی افراد، در ارتباط با دولت، نهادهای سیاسی کشور و طرز تنظیم آن‌ها، همچنین چگونگی سر شکن شدن قدرت در میان فرمانروایان و فرمانبران از جمله قواعد و مقررات قانون اساسی به‌شمار می‌آید (قاضی، ۱۳۶۸: ۹/۱).

یکی از مهمترین اصول نظریه دولت مشروطه، تحدید قدرت و تفویق آن در نهادهای سیاسی مختلف است در این نظریه همچنین پاسداری و نگهبانی از نظم مبتنی بر قانون مهمترین وظیفه دولت شناخته شده است (وینسنت، ۱۳۷۱: ۱۵/۱).

## ۲- امپراتوری عثمانی

دولت عثمانی یکی از پایدارترین دولت‌های مسلمان است که بیش از شش قرن در صحنه سیاست اسلامی در جهت ایجاد اتحاد داخلی میان سرزمین‌های اسلامی و دفاع از آنها در برابر دولت‌های اروپایی ایفای نقش کرد.

## ۳- اصطلاح واگرایی

اصطلاح واگرایی ساختاری معطوف به ساخت و نقش در روابط ایران و عثمانی به مثابه دو واحد سیاسی مجزاست این دو واحد سیاسی نه تنها ساختاری سیاسی یکدیگر، بلکه کیان و موجودیت ایدئولوژیک را به رسمیت نمی‌شناختند و در سطح نظری و عملی به نفی این ساختارها سعی می‌کردند.

## کیفیت تأثیرگذاری

برای بررسی دقیق‌تر کیفیت تأثیرگذاری تحولات عثمانی بر مشروطه ایران باید اول بررسی کوتاه از مشروطه عثمانی داشته باشیم؛ سپس، به نحوه تأثیرگذاری امپراتوری عثمانی بر انقلاب مشروطه در ایران از ابعاد مختلفی قابل بررسی است که شامل یک بُعد آن مربوط به رجال سیاسی و مذهبی دوران قاجار است که به نحوی از وضعیت داخلی امپراتوری عثمانی متأثر شده و در پی ایجاد اصلاح و تحول در ساخت سیاسی، اداری کشور برآمدند. بُعد دیگر مربوط به فعالیت روشنفکران و بازرگانانی است که با حضور در امپراتوری عثمانی از آن تأثیر گرفته و

برای ایجاد تحول در ایران از آن الهام می‌گرفتند. بُعد سوم مربوط به تأثیرگذاری مستقیم امپراتوری عثمانی در انقلاب مشروطه است و بُعد چهارم مربوط به فعالیت روزنامه‌های ایران مقیم استانبول است (جونز، ۱۳۷۵: ۹۰۲/۲).

### تحلیل و بررسی اجمالی از مشروطه عثمانی

عثمانی در مقاطع پایانی عمر خود مشروطه را دو بار تجربه کرد؛ بار اول در سال‌های ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۶ توسط نوعثمانیان به رهبری چهره‌هایی، چون مدحت پاشا و نامق کمال و بار دوم در سال ۱۹۰۸ به وسیله ترکان جوان که در نهایت ترکیه نوین از دل آن سر بر آورد. شکست‌های پی‌درپی عثمانی از جهان غرب در دوره‌های افول امپراتوری ترک را به ناچار مجبور به پذیرش پاره‌ای از اصلاحات کرده بود.

آغاز این اصلاحات از اوایل قرن هجدهم از مقطعی مشهور به دوره لاله صورت گرفت و تداوم جدی آن با وقوع تنظیمات در زمان سلطان سلیم و سلطان محمود دوم بود و این تقریباً مصادف است با نقش آفرینی چهره‌هایی مانند میرزا تقی‌خان امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم خان در ایران. دوره لاله (۱۷۱۸ الی ۱۷۳۰) اختصاص به مقطعی از تاریخ عثمانی دارد که به دنبال سختگیری روحانیون و اسلام‌گرایان سنتی که حتی مسافرت به دارالکفر و مبادلات اقتصادی با آن‌ها را جایز نمی‌دانستند و در برپایی کاخ‌ها و عمارات مجلل و انجام تزیینات به شکل اروپایی و پرورش گل لاله و همچنین ولخرجی‌های بی‌حد و حصر سر از پا نمی‌شناسند.

دو فرمان گلخانه و اصلاحات (۱۸۳۹ تا ۱۸۷۱) نقطه عطفی در روند اصلاحی امور در عثمانی روبه‌زوال است. در این دوره که تحت عنوان تنظیمات شناخته می‌شود. حاکمیت درصد حفظ آزادی اتباع اعم از مسلمان و غیرمسلمان و سر و سامان دادن به اخذ مالیات‌ها و تأسیس نهادهای جدید آموزشی برمی‌آید. نوعثمانیان که جریانی فکری و اصلاح طلب بود در



همین دوره با تأکید بر اسلامیت و مدرنیت و عثمانیت به رهبری اندیشمندانی، چون نامق کمال ظهور یافت. نقطه عطف این دوره تدوین قانون اساسی و اعلام مشروطیت بود. حرکتی که به وسیله روشنفکران نعثمانی و دولتمردان اصلاح طلب به پیش برده شد و بیشترین تکیه آن بر ساختار قدرت بود. به هر حال، پرونده مشروطه اول عثمانی با حکومت عبدالحمید بسته می شود و جامعه سی و اندی سال در فضایی بسته نگاه داشته می شود تا اینکه ترکان جوان در ربع قرن نوزدهم در پی ایجاد تحولی دیگر از جنس قانونگرایی و مشروطه خواهی پا به عرصه می گذارند و سرانجام در سال ۱۹۰۸ وقوع دومین مشروطه عثمانی را به ثبت می رسانند (حضرتی، ۱۳۸۹: ۳).

### نقش رجال و نخبگان و روشن فکران و آزادی خواهان

همه اذعان داریم که آذربایجان ولیعهد نشین پیشقدم انقلاب مشروطه ایران بوده است و کسانی مثل مرحوم تقی زاده از همفکران امثال مدحت پاشا بوده اند و اصلاً لفظ مشروطیت را اهل تحقیق عقیده دارند که ریشه در افکار آزادی خواهانه ترک های نواندیش دارد. همیاری ترکان در حوادث تاریخی قرن اخیر با مردم ایران نیز کم نبوده است و پذیرش همسایه غربی از پناهندگان و تبعیدی هایی که ترک هم نبوده اند، منشاء بسیاری از حوادث مهم تاریخ معاصر ایران بوده است. اینکه مرحوم ناظم الاسلام کرمانی مشروطه خواه، شاگرد ملا محمد جعفر پدر شیخ احمد روحی بوده است و اینکه بهترین شرح حال را از میرزا آقا خان کرمانی او می نویسد و به ایده (اتحاد اسلام) آنها و نقل اشعار آن اشاره می کند و اینکه بهترین و قدیمترین تاریخ مشروطه ایران را در واقع ناظم الاسلام نوشته که خود در قلب اجتماعات سران مشروطه حضور داشته همه این ها از ارتباط فکر مشروطه با فضای سیاسی که بر اسلامیون حاکم بوده است دلیل دارد (همان: ۱۹).

اکثر روشنفکران ایرانی ابتدا در اندیشه راهنمای اولیا و امنای دولت بودند. از این رو بیشتر در پی حکام قاجار بودند تا آنان را به انجام اصلاحات وادار کنند، ولی پس از دریافت ضربه‌های سخت از حاکمیت امیدشان به یأس مبدل گردید. به همین جهت مهاجرت سیاسی روشنفکران و اصلاح‌طلبان به کشورهای خارجه به خصوص عثمانی افزایش یافت. چون امپراتوری عثمانی بیشتر از هر کشور اسلامی دیگری در معرض تماس و تجربه غرب بوده است؛ بنابراین روشنفکران ایرانی مقیم استانبول از روشنفکران عثمانی تأثیر گرفتند و فرهنگ غرب بیشتر از این طریق به جامعه ایرانی منتقل گردید. از طرفی به سبب وجود مشترکات میان هر دو جامعه دستاوردهای غرب پس از عبور از کانال عثمانی می‌توانست در ایران اجرا شود این دستاوردها از راه‌های مختلف وارد ایران گردید که در رأس آن دولتمردانی نظیر میرزا تقی‌خان امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم خان بودند که اکثراً با اقامت طولانی در استانبول و ایجاد دوستی و آشنایی با دولتمردان و روشنفکران عثمانی در جریان دگرگونی‌های عثمانی قرار گرفته و کوشش کردند که آن را به ایران منتقل کنند؛ گروه دوم آزادی‌خواهان بودند که علیه استبداد قاجار مبارزه می‌کردند و در رأس آنان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی، میرزا فتحعلی آخوندزاده و حسین خبیرالملک کرمانی بودند آنان کانونی را برای مخالفت با استبداد دوره ناصری در استانبول برپا نمودند (همان: ۲۵).

سیدجمال‌الدین دنبال‌کننده فکر اتحاد اسلامی (پان‌اسلامیسم) و سه تن از مریدان فداکار او نظیر میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی و میرزا حسن خبیرالملک نیز در نتیجه اقامت در استانبول تحت تأثیر تحولات و دگرگونی‌های عثمانی قرار گرفتند. سیدجمال با ایجاد رابطه با سلطان عبدالحمید و بابعالی از طریق محمد امین، مدتی با آنان هم صدا گردید و برای رشد فکری و آزادی‌خواهی اقدام نمود. در جنبش مشروطیت ایران و عثمانی افتخار ملاقات و انتساب به او بالاترین آزادی‌خواهی و استحقاق وکالت و ریاست برای مردان ایران و عثمانی و

عرب بود (براون، بی تا: ۹۷). می توان گفت مدحت پاشا خواهان انجام اصلاحات نوگرایانه در ایران بوده و در این مسیر در حد خود تلاشهایی را نیز صورت داد. او با ایجاد رابطه بسیار دوستانه با میرزا حسین خان سپهسالار و همین طور با استقبال و پذیرایی گرم از ناصرالدین شاه در سفر به عتبات عالیات، تمام تلاش خود را به کار بست تا جبهه اصلاح طلبان ایران را که در رأس آن‌ها در این زمان کسانی، مانند میرزا حسین خان قرار داشت. در نزد پادشاه ایران تقویت نماید و بدین وسیله زمینه‌های انجام تغییرات اصلاحی را در ایران تسهیل نماید (قاجار، ۱۳۶۳: ۱۲۵).

بدون تردید یکی از اصلی‌ترین حلقه‌های انتقال افکار و اندیشه‌های مدحت پاشا ایران میرزا حسین خان سپهسالار بوده است. مشیرالدوله در حدود دوازده سال (۱۲۷۵ تا ۱۲۸۷ ق. ۱۸۵۷ تا ۱۸۷۰ م.) در سفارت ایران در استانبول با سمت‌های وزیر مختار و سفیر کبیر ایران به انجام وظیفه مشغول بوده است. در زمان ورود میرزا حسین خان به استانبول در حدود نوزده سال از صدور خط همایونی گلخانه و آغاز دوره تنظیمات و همچنین دو سال از صدور فرمان اصلاحات می‌گذشت. او در این مدت رابطه دوستانه با بزرگانی مانند عالی پاشا، منیف پاشا، فؤاد پاشا و مدحت پاشا داشته و از نزدیک شاهد تلاش دیوان سالاران مذکور در انجام اصلاحات حکومتی بوده است. میرزا حسین خان در دوره سفارت خود در استانبول، گزارشگر اصلاحات عثمانی بود و بدون تردید از آن تحولات متأثر بود. بنابراین، اندیشه ترقی خواهی او که در ایران بعد از بازگشت از استانبول پیگیری شد. تحت تأثیر اندیشه بزرگانی همچون فؤاد پاشا، عالی پاشا و مدحت پاشا بوده است. میرزا ملکم خان شناخت درست و دقیقتری نسبت به اندیشه و عمل سیاسی مدحت پاشا داشته است او از علاقمندان مدحت پاشا بوده ملکم در روزنامه‌نگاری خود هم متأثر از عثمانی بود و روزنامه قانون خود را با وجود محدودیت‌ها برای ورود به ایران از طریق استانبول به ایران می‌رسانید.

## نقش تجار

پس از سقوط صفویه موانع بازرگانی میان ایران و عثمانی از میان رفت. مخصوصاً دشمنی عثمانی با روسیه برای جلوگیری از صدور کالاهای ایرانی از راه روسیه و خلیج فارس و برگرداندن مسیر راه‌های بازرگانی باعث گسترش روابط عثمانی با ایران گردید. از این رو، رفت و آمد بازرگانان ایران به اروپا از راه عثمانی شتاب بیشتری گرفت بازرگانان ایران مرکز تجاری خود را در استانبول دایر نمودند؛ زیرا اکثر نمایندگان صنایع اروپا در استانبول بودند. گروه‌های مختلف ایرانی در استانبول که تعداد آنها را شانزده هزار نفر در استانبول و ده هزار نفر در سایر شهرها نوشته‌اند با استفاده از کمک مالی تجار بیمارستان و مدارس ایرانی تأسیس کردند (حضرتی، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

ایرانیان که در آن زمان در تجارت جهانی نقشی در خور داشتند و اغلب ایرانیان تاجر را نیز اهالی آذربایجان تشکیل می‌دادند. در این شهر تماس با روشنفکران و آزادی‌خواهان سایر ممالک و نیز مطالعه جراید و روزنامه‌های متفاوت و متنوع به مرور زمان دارای افکار آزادی خواهی می‌گردیدند و این افکار به سرعت هر چه تمام‌تر در آنها رشد می‌یافت (آدمیت، ۱۳۹۰: ۵۸). جمعیت تجار مقیم آن دیار می‌توانست از مدت‌ها قبل از حرکت مشروطه‌خواهی شکل گرفته باشد، ولی سرعت و شتاب فزاینده تحولات در ایران باعث شد تا ایرانیان مقیم اسلامبول نیز به‌عنوان بخشی از پیکره واحد ایران به جهت امداد و یاری مشروطه‌طلبان ایران وارد عمل شوند. هرچند برخی نویسندگان شروع اقدامات ایرانیان مقیم اسلامبول را بعد از اقدامات محمدعلیشاه می‌دانند (امیرخیزی، ۱۳۳۹: ۶۱).

## نقش مطبوعات، نویسندگان و مدارس و مراکز علمی

در قرن نوزدهم میلادی رابطه ایرانیان با دنیای غرب آغاز شد و دگرگونی‌هایی در جامعه ایرانی پدید آورد و اصلاح طلبان عصر قاجار را بیش از پیش بر پدیده عقب ماندگی ایران و روش‌های تغییر و اصلاح جامعه کشاند (کوزنسا، بی تا: ۵۰).

نثر قرن نوزدهم را نیازمند واژه‌هایی نمود که در آن زبان فارسی وجود نداشت. روشنفکران ایرانی با کنار گذاشتن سنت‌های کهنه و پوسیده در نویسندگی، نثر ساده همه فهم را در ادبیات متداول نمودند. علی محمد کاشی جوان تحصیل کرده استانبول در مقالات پر حرارت و مفید خود در روزنامه های ثریا و پرورش اصطلاحات و تعبیرات سیاسی و نظامی و قضایی را از عثمانی و اروپا وارد زبان فارسی نمود (بهار، ۱۳۶۹: ۴۰۲/۳). جنبش فکری و هیجان و شوق شعرای این دوره باعث سنت شکنی در اشعار به زبان مردم کوچه بازار و فهم منظورسیاسی و اجتماعی گردید (ریپکا، ۱۳۵۴: ۴۵۸). شعرا کلیه جریان‌های سیاسی را در اشعار خود منعکس می‌کردند. نامق کمال روشنفکر عثمانی به واژه‌های دیرین عربی نظیر وطن، حریت، ملت و مشروطیت مفهوم دینی بخشید. این ابتکار ادبی، سیاسی وی نه تنها در عثمانی، بلکه در میان مسلمانان مشرق زمین، از جمله ایران مورد استقبال قرار گرفت. چنان که وطن‌پرستانی که در سال ۱۹۱۲م. به وسیله عوامل روسیه تزاری در تبریز اعدام شدند که شعارشان «یاشاسون وطن» (زنده باد وطن) بود (براون، بی تا: ۹۷).

امیرکبیر به منظور رهانیدن جامعه ایرانی از عقب ماندگی و انحطاط و برای دست یافتن به این مقصود از تحولات عثمانی و روسیه در زمینه امور مالی، لشکری، مدارس، نظام، دارالفنون، استخدام استادان خارجی، اعزام دانشجوی به خارج و تأسیس روزنامه استفاده کرد به طوری که او سه سال بعد از دارالفنون عثمانی، دارالفنون را در ایران تأسیس کرد (آدمیت، ۱۳۹۰: ۴۱). پس از امیرکبیر نیز اندیشه او به وسیله میرزا ملکم خان که تحصیل کرده فرانسه بود، دنبال گردید. او نیز به علت ده سال اقامت در استانبول که مصادف با دوران تنظیمات عثمانی بود اندیشه او را

تکمیل نمود و با انتشار روزنامه قانون اولین بار کلمه قانون، ایجاد مجلس و بانک را در ایران مطرح ساخت. همچنین وی با نامق کمال نویسنده برجسته عثمانی به مباحثه قلمی می‌پرداخت (مراغه‌ای، ۱۳۵۳: ۹۱). عشقی شاعر انقلاب ایران داوطلبانه در دارالفنون بابعالی عثمانی داوطلبانه در رشته فلسفه و علوم اجتماعی شرکت کرد و اپرای (رستاخیز شهریان) و نوروزی نامه را به هنگام اقامت خود در استانبول سرود (براون، بی‌تا: ۲۳۳-۲۳۴). مشیرالدوله پس از آن که شرحی درباره مدارس عثمانی آورده، نوشته است: «ایجاد مدارس باعث ارتقای علم، هنر و بصیرت ملت خواهد شد» (رئیس نیا، ۱۳۷۴: ۲۲/۱).

میرزا حسین خان سپهسالار پس از بازگشت از عثمانی اولین مدرسه خود به نام «مشیریه» تأسیس کرد. در جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۷م. هنگامی که ارتش عثمانی وارد ارومیه شد. فرمانده قشون عثمانی مدرسه صلاحیه را به نام خودش تأسیس نمود. او از طرفداران اتحاد عالم اسلامی بود. تأسیس مدرسه (نوبر) در شهرستان خوی در سال ۱۹۰۶م. به همت میرموسوی نقیعی پس از مسافرت استانبول آشنا شدن به روش جدید آموزش صورت گرفت (آدمیت، ۱۳۸۵: ۴۵۶).

در زمینه روزنامه‌نگاری نیز آغاز تحولات در زمان عباس میرزا موجب افزایش آگاهی جامعه ایران گردید. جامعه‌ای که تشنه اطلاعات اخبار و حوادث داخلی و خارجی بودند. این عوامل هسته اولیه روزنامه‌نگاری را در ایران تشکیل داد. در زمان ناصرالدین‌شاه بی‌توجهی پادشاه به اصلاحات و رکود کشور باعث مهاجرت عدّه قابل توجهی از نویسندگان و آزادی‌خواهان به اروپا و قلمرو عثمانی گردید. این امر باعث به‌وجود آمدن کانون روزنامه‌نگاران تبعیدی ایران در اروپا و آسیا شد. اولین روزنامه آزادی‌خواهان مهاجر در سال ۱۸۷۵م. به نام اختر در استانبول منتشر و مخفیانه توزیع می‌گردید. مطالب این روزنامه عامل مهمی در بسط و توسعه افکار جدید در ایران شد و انتشار آن در قلمرو عثمانی سبب تجمع عدّه قابل توجهی از آزادی‌خواهان ایران گردید. نویسندگان روزنامه اختر در تشکیل انجمن‌های سرّی شهرستان‌ها

نیز تأثیر داشتند. برای مثال انجمن سرّی کرمان در کنار چند نفر روحانی با حضور میرزا آقاخان کرمانی از نویسندگان روزنامه اختر استانبول تشکیل گردید. روزنامه‌هایی نظیر شمس در سال ۱۳۲۶ به مدیریت شمس قزوینی، شیدا به وسیله دانشجویان ایرانی مقیم استانبول (ذاکر حسین، ۱۳۶۹: ۴۱) و سروش به وسیله انجمن سعادت ایرانیان مقیم استانبول در دوران استبداد صغیر به وجود آمد و آثاری از میرزا علی اکبر دهخدا، احمد بیگ آقاییف و یحیی دولت آبادی در آن به چاپ می‌رسید (رئیس‌نیا، ۱۳۷۴: ۴۰۹/۱ و ۴۲۶).

فراماسونری استانبول محلّ گردهمایی شماری از دیپلمات‌های ایرانی نظیر میرزا حسین خان سفیر ایران بود. او در عثمانی ریاست اکثر مسلمانان را برعهده داشت. وی به سیدجمال‌الدین ارادت داشت و بر آن بود که از طریق وی محبت سلطان را به خود جلب نماید (آدمیت، ۱۳۸۵: ۴۰۸).

### نقش انجمن سعادت

این انجمن نقش مؤثری در برخی جهت‌گیری‌های جنبش مشروطه خواهی داشت و در خارج از کشور در نقش رابط بین نیروهای آزادی خواه تبریز با نجف و شهرهای اروپا ایفا می‌کرد. در مورد این انجمن و هویت بنیانگذاران آن و اقدامشان اختلاف نظر وجود دارد. احمد کسروی از این انجمن به نیکی یاد می‌کند و افسوس می‌خورد که نام بنیانگذاران آن معلوم نیست و به زعم وی این انجمن در استانبول به دست بازرگانان آذربایجانی اداره می‌شده است (کرمانی، ۱۳۴۶: ۲۵۱/۲ و ۵۶۹ و ۳۹۹).

وجود جمعیت فرهیخته‌ای از ایرانیان باعث شده بود که سفارت کبری ایران در اسلامبول نیز واجد اهمیت حیاتی باشد اسلامبول با چنین ساختار ویژه‌ای با حضور ایرانیان در آن در دوره‌ای از تاریخ ایران که حرکات آزادیخواهی شروع شده و در مسیر تعالی افتاده بود نقش تعیین کننده برعهده گرفته بود. در مورد نقش ایرانیان مقیم علیه (نامی که ایرانیان به اسلامبول

داده بودند) در روند تحولات مشروطه در ایران لازم است گفته شود که جمعیت تجار مقیم آن دیار می‌توانست از مدت‌ها قبل از حرکت مشروطه‌خواهی شکل گرفته باشد، ولی سرعت و شتاب فزاینده تحولات در ایران باعث شد تا ایرانیان مقیم اسلامبول نیز به‌عنوان بخشی از پیکره واحد ایران، به جهت امداد و یاری مشروطه‌طلبان ایران وارد عمل شوند. هرچند برخی نویسندگان شروع اقدامات ایرانیان مقیم اسلامبول را بعد از اقدامات محمد علی‌شاه می‌دانند (کسروی، ۱۳۳۰: ۲۸۷ و ۶۸۴).

این انجمن مدتی تحت ریاست آقای محسن معتمدالتجار بوده و از اعضای دیگر آن می‌توان به حاج محمدحسین، آقای هندی شباهنگ، حاج حسین قرطاسیه‌چی، حاج حسین قالچی (امیرخیزی، ۱۳۳۹: ۱۶۱)، میرزا علی برادر منشاءالسلطنه، حاج حسین پدر دکتر علی‌خان توفیق اشاره نمود (جاوید، ۱۳۴۷: ۵۱).

عراق عرب به‌عنوان بخشی از قلمرو امپراتوری عثمانی به مجرد احیای رژیم مشروطه عثمانی شاهد فعالیت روزافزون جمعیت ایرانیان در بغداد و عتبات بود که اقدامات ایرانیان مقیم عراق عرب به ریاست حاج‌شیخ اسداله ممقانی و احمد تاجر شبستری انجام می‌شد. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که انجمن سعادت اسلامبول بعد از بنا نهاده شدن به دست تجار آزادی‌خواه نهایتاً با ریاست نماینده علمای نجف بر آن حالتی کاملاً متفاوت می‌گیرد و اقداماتی در راستای حمایت از مشروطه خواهان ایرانی می‌نماید که در جای خود بسیار با ارزش و مفید فایده بوده است. در این دوره انجمن سعادت اسلامبول کمک‌های مادی به صورت اعانه جمع‌آوری نموده و به اسامی و نام‌های مختلفی به تبریز حواله می‌کرد. تا جریان مقاومت در آذربایجان از لحاظ اقتصادی مشکلی نداشته باشد. یک شاهد عینی در این باره اطلاعات ارزنده‌ای به دست می‌دهد.

آنژینیوز افسر فرانسوی که در بحبوحه جنگ‌های تبریز در شهر حاضر بود نوشته: «ایرانیان مقیم قسطنطنیه مبلغ پانزده هزار فرانک به اسم یک تاجر اروپایی به تبریز حواله کردند و از این



پول اغلب هزینه مجاهدین که روزانه چهار قران (برابر یک فرانک) بود، پرداخت می‌شد» (امیرخیزی، ۱۳۳۹: ۱۹۲).

همان‌طور که اشاره شد رسیدن ایرانیان تبعیدی مانند معاضدالسلطنه پیرنیا، میرزا علی‌اکبر دهخدا، میرزا علی‌حق نویس، بهاء‌الواعظین و میرزا ابراهیم قمی، به اسلامبول باعث پدید آمدن دوره جدیدی از فعالیت آزادی‌خواهان در خارج از مملکت ایران شد که نقش انجمن سعادت در این زمینه بسیار مهم است؛ زیرا این انجمن با متشکل ساختن عناصر آزادیخواه و ایجاد امکاناتی برای آن‌ها کمک‌های شایان توجهی به پیشرفت مقاصد ملیون انجام داد و روابطی را با سایر نقاط ایران که به حالت بسته و جامد باقی مانده بودند برقرار ساخت (آنژینیوز، ۱۳۴۸: ۲۲۴).

با قدرت یافتن انجمن سعادت، حاج شیخ اسداله ممقانی ضمن دیداری با صدرالعظم عثمانی سبب شد تا دستگاه سیاسی عثمانی نسبت به ایرانیان و حرکات آزادی‌خواهانه آن‌ها نرمش خاصی داشته باشد؛ لذا بر این اساس اولین میتینگ اعتراض را برای اعتراض روس در آذربایجان در اونیون فرانسه ترتیب داده شد. این میتینگ اعتراضی به ریاست ممقانی به عنوان نماینده علمای نجف و رئیس کلنی ایرانیان افتتاح شد (شمیم، ۱۳۷۹: ۵۹۱).

حمایت‌های انجمن سعادت از روند مقاومت در ایران به گونه‌ای چشمگیر در اهداف مشروطه‌خواهان ایرانی تأثیر داشته و آن‌ها را به ادامه راه تشویق می‌کرده است و شاید بهترین جمله‌ای که بتوان در این زمینه به آن اشاره کرد اینکه بعد از واقعه مجلس در تهران انجمن تبریز مدیر انقلاب شد و انجمن سعادت اسلامبول علم را برپا داشت (ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۰۷/۴). همچنین انجمن سعادت با انجمن‌های پاریس همکاری می‌کرد که چهره بسیار مهم گروه پاریس میرزا کریم خان رشتی بود. این گروه نمایندگانی به رشت نیز اعزام می‌کردند و به صورت تلگرافی با انجمن سعادت استانبول ارتباط داشتند؛ بنابراین، بین پاریس، لندن و استانبول ارتباط منسجمی وجود داشت و از این طریق با داخل ایران ارتباط برقرار می‌شد. عامل مهم ارتباط

همه این گروه‌ها با ایران انجمن سعادت بود که احکام علمای نجف را به نقاط مختلف کشور ارسال می‌کرد. اعضای انجمن سعادت همچنین کمیته دیگری نیز تشکیل داد تا همه تبعیدشدگان را متحد کنند (هدایت، ۱۳۶۳: ۱۸۸).

### نقش سفارت عثمانی

محمت شمس‌الدین بیگ به مدت سیزده سال (۱۳۱۳ تا ۱۳۲۶ق) سفیر کبیر عثمانی در ایران بود او در این مدت رابطه خوبی با مشروطه خواهان داشت و از برنامه‌های اصلاحی آن حمایت می‌کرد (کسروی، ۱۳۳۰: ۳۶۴).

شمس‌الدین بیگ رابطه بسیار دوستانه‌ای با برخی از رهبران مشروطه به ویژه با سیدعبدالله بهبهانی داشت و با انجام مکاتباتی مشوق آنان در ادامه راه مشروطه خواهی بوده است. سفیر عثمانی برای آقای بهبهانی پیغام داد که: «از الحاق این لفظ عدالتخانه به عریضه مستدعیات اگر مرا ممکن بود و محذوراتی نداشتم هر آینه می‌آمدم و پای شما را می‌بوسیدم تا آن چه خواهید در این لفظ مندرج است» (ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ۸۲۴/۴). اما اینکه چرا به جای سفارت انگلیس در سفارت عثمانی به بست نشستند تأمل برانگیز است. به نظر می‌رسد علمای نجف و مشروطه‌خواهان پیرو آن‌ها با آگاهی از آثار زیانبار بست نشینی دوران مبارزه در سفارت انگلیس بر افکار عمومی و سرنوشت نهضت این بار سفارت یک کشور اسلامی را برای تحقق اهداف خود مناسب‌تر یافتند ممکن است بست‌نشینی در سفارت عثمانی به این علت نیز باشد که دولت انگلیس با تجربه از دوره قبل بست نشینان را به آن سو هدایت کرده تا از سویی تظاهر به بی طرفی کرده باشد و از سوی دیگر روشن سازد که هر سفارتی قادر به حل بحران سیاسی ایران نیست (کرمانی، ۱۳۴۶: ۲۴۵/۱).

در هر حال بعد از این بست نشینی، علما تلگراف‌های متعددی را به تهران ارسال کردند علمای ایرانی مقیم عراق به دلیل دوری از دسترس محمدعلی شاه توانستند نهضت مشروطیت

و آزادی‌خواهی را با فعالیت خستگی‌ناپذیر ادامه دهند. یحیی دولت‌آبادی در مورد این تحصن و خطری که از سر متحصنان گذشت، نوشته است: «در تهران بعد از اینکه آزادی‌خواهان از این که شاه به وعده خود در دادن اعلان انتخابات وفا کند، مأیوس و ناامید شدند، کثیری از وجوه روحانیون و کسبه و تجار آزادی‌خواه در سفارت عثمانی متحصن شدند و از آنجا به اشاعه در خصوص اعاده حکومت ملی صحبت می‌دارند و اقدامات دولتی برای متفرق کردن آن‌ها بی‌نتیجه می‌ماند و در نهایت به توسط دو سفارت روس و انگلیس در استانبول از وزارت خارجه عثمانی خواسته می‌شود که درخواست ایران را در بیرون کردن آن مردم از سفارت در تهران بپذیرند و دولت عثمانی هم آن را می‌پذیرد و این خبر از سویی به انجمن سعادت مخابره می‌شود». در این میان دولت آبادی با مذاکره با شیخ الاسلام عثمانی به وی می‌گوید که تهرانیان راه سفارت دیگری را می‌شناختند که از سفارت شما وسیع تر است، ولی نخواستند در ایام مشروطیت به خانه کفر پناه ببرند و امروز وجوه روحانیت در سفارت عثمانی جمع‌اند و شایسته نیست که آن‌ها را از سفارت بیرون کنند. پس از آن شیخ السلام مانع از آن می‌شود و بعد از بحث در هیئت وزرا شیخ السلام از تعرض به متحصنین جلوگیری می‌کند (ترابی فارس‌نوی، ۱۳۸۴: ۱۹۴).

در پایان می‌توان به این موضوع اشاره کرد که سفیر عثمانی در مدت سفارت خود در تهران بیشتر طرف مشروطه‌خواهان بوده هم اینکه اساساً علت عزل او اخباری بود که مخالفان او به سلطان عبدالحمید می‌دادند. گزاره‌هایی مبنی بر اقداماتی که شمس‌الدین در تهران در حمایت از مشروطه‌خواهان انجام داده و به نوعی در مقابل حکومت مطلقه ناصری و مظفری قرار گرفته است، حتی در مورد او گفته شده است که از تهران تلاش‌هایی را برای حمایت از جریان‌های مشروطه‌خواه در استانبول یعنی ترکان جوان صورت داده است که با آگاهی‌یافتن سلطان عبدالحمید نسبت به این موضوع دستور عزل او را صادر کرد (اتحادیه، ۱۳۷۳: ۴۱۰).

پناهنده‌شدن سیصد نفر از علمای مشروطه‌خواه در سفارت عثمانی، تلگراف سفیر کبیر استانبول به آخوند خراسانی در نجف جهت آشتی ملت و دولت عزل عبدالحمید عثمانی، روی

کار آمدن محمد شاه، خوشحالی انقلابیون ایرانی و ناراحتی مستبدین حاکی از نقش استانبول در دگرگونی‌های جامعه ایرانی است (حضرتی، ۱۳۸۹: ۲۰۳).

### مقایسه کوتاهی از قوانین اساسی مشروطه عثمانی و مشروطه ایرانی

مهمترین ارمنان که انقلاب مشروطه برای ایران و عثمانی به همراه داشت قانون اساسی بود. ترک‌ها در سال ۱۸۷۶م. / ۱۲۹۳ق. به‌عنوان نخستین کشور مسلمان به این امر نایل آمدند. سی سال بعد در ایران به دنبال تحولاتی که منجر به اعلام مشروطه شد، مظفردالدین شاه در ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ق. / ۳۰ دسامبر ۱۹۰۶م. امضای خود را برپای اولین قانون اساسی مدون ایرانی گذاشت. این قانون پنجاه و یک ماده داشت که بعدها با متممی که به آن اضافه شد و به تأیید محمد علی شاه رسید، تکمیل گردید. این متمم مشتمل بر صد و هفت اصل بود. اما قانون اساسی مشروطه اول عثمانی مشتمل بر صد و نوزده ماده است که بعد از تأیید سلطان عبدالحمید دوم رسماً اعلان شد.

در قوانین اساسی مورد نظر سلطان از مشروعیت دینی برخوردار است. در هر دو قانون شخص سلطان از مسئولیت مبرا دانسته شده است (اصل ۴۴ متمم قانون اساسی مشروطه ایران و ماده ۵ قانون اساسی مشروطه اول عثمانی). اما قانون اساسی عثمانی علاوه بر غیر مسئول بودن سلطان بر قداست آن نیز تأکید شده است (ماده ۵) در مقابل قانون ایران (اصل ۳۵ متمم) سلطنت یک موهبت الهی دانسته شده که از جانب ملت به شخص پادشاه تفویض می‌شود در این اصل به صراحت بر تفکر دیرپای ایرانی که سلطنت راهبردی الهی می‌داند و قدرت سلطان را نمودی از قدرت خداوندی می‌شمارد اشاره شده است. با این تفاوت که تفویض آن موهبت الهی را از جانب ملت دانسته است و نه خداوند. در حالی که در قانون عثمانی به این صراحت بر الهی بودن مقام سلطنت اشاره نشده است، اما در ماده سوم با این عبارت که سلطان عثمانی مقام خلافت اسلامی را نیز دارا است مقام سلطنت را از مشروعیت دینی برخوردار نموده است.

مطلب دیگر اینکه در هر دو قانون بر موروثی بودن مقام سلطنت اشاره رفته است. ماده ۳ قانون عثمانی تداوم سلسله پادشاهی را در آل عثمان و براساس اولاد اکبر تعیین نموده و به همین شکل در اصل ۳۶ و ۳۷ متمم قانون ایران نیز این مقام موروثی و براساس پسر اکبر شاه که مادرش ایرانی‌الاصل باشد دیده شده است. در قانون مشروطه ایران پادشاه باید بر مذهب اسلام و طریقه حقه جعفری و مروج آن باشد (اصل اول متمم) در حالی که در قانون عثمانی سلطان حامی دین اسلام (ماده ۴) و حاکم بر تمامی اتباع عثمانی معرفی شده است بدون آن که به مذهب خاصی اشاره شود.

### نتیجه‌گیری

شکست‌های پی‌درپی عثمانی از جهان غرب آنان را به قبول پاره‌ای اصلاحات مجبور و توجه آن‌ها را در زمینه‌های زبان، اندیشه و فرهنگ از شرق متوجه غرب ساخت (آقچورا، بی تا: ۱۵۱). آغاز این اصلاحات از اوایل قرن هیجدهم مشهور به دوره لاله بود. می‌توان این دوره را شروع حیاتی جدید در تاریخ امپراتوری عثمانی به حساب آورد. تداوم اصلاحات آغاز شده در عثمانی به واسطه سلطان سلیم سوم و سلطان محمود دوم به وسیله تنظیمات چیان دنبال گردید و زمینه برقراری مشروطیت اول عثمانی را در نیمه دوم قرن نوزدهم فراهم ساخت و تحولات عظیمی را در جامعه عثمانی به وجود آورد که الگوی کار سایر دول اسلامی از جمله ایران گردید. ایران نیز در آغاز عصر جدید از طریق پل ارتباطی عثمانی با اروپا بسیاری از دستاوردهای تمدن جدید را به دست آورد. زیرا در آن زمان هنوز راه‌های هوایی گشوده نشده بود و امکان ارتباط از طریق دریاها نیز مشکل بود. بنابراین بیشترین ارتباط از این طریق صورت می‌گرفت. در مجموع می‌توان گفت دولت عثمانی نقش مثبتی در تحولات مشروطه‌خواهی در ایران ایفا کرد. تحولات و اندیشه‌هایی که در عثمانی مطرح بود در زمینه سازی برای مشروطه در ایران نقش اساسی داشت.

## منابع و مأخذ

- آدمیت فریدون (۱۳۸۵). *اندیشه شرقی و حکومت قانون*. تهران: انتشارات خوارزمی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). *فکر آزادی و مقدمه مشروطیت*. تهران: انتشارات گستره.
- آقچورا، یوسف (بی تا). *دوران فروپاشی عثمانی*. بی جا: بی نا.
- آنژینیوز (۱۳۴۸). «گزارشی از انقلاب مشروطه ایران (رویدادهای تبریز)». *بررسیهای تاریخی*. ترجمه یحیی شهیدی. سال چهارم، شماره پنجم و ششم.
- اتحادیه، منصوریه (۱۳۶۰). *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت*. تهران: نشر گستره.
- امیرخیزی، اسماعیل (۱۳۳۹). *قیام آذربایجان و ستارخان*. تبریز: کتابفروشی تهران.
- براون، ادوارد (بی تا). *مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: انتشارات ابن سینا.
- بهار، محمد تقی (۱۳۶۹). *سبک شناسی*. جلد ۳. تهران: امیرکبیر.
- ترابی فارسانی. سهیلا (۱۳۸۴). *تجارت مشروطیت و دولت مدرن*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- جاوید. سلام اله (۱۳۴۷). *نهضت مشروطیت ایران و نقش آزادی خواهان جهان*. بی جا: بی تا.
- جونز، ویلیام (۱۳۷۵). *خداوندان اندیشه سیاسی*. ترجمه علی رامین. جلد دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حضرتی. حسن (۱۳۸۹). *مشروطه عثمانی*. تهران: پژوهشکده تاریخ.
- دانشگاه کمبریج (۱۳۸۰). *تاریخ ایران دوره صفویه*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات جامی.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۶۹). *مطبوعات سیاسی در عصر مشروطیت*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۷۴). *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*. جلد سوم. تبریز: ستوده.
- ریپکا، یان (۱۳۵۴). *تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان تا قاجاریه*. ترجمه عیسی شهابی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۹). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: نشر زریاب.
- قاجار، ناصرالدین شاه (۱۳۶۳). *سفرنامه عتبات*. با مقدمه ایرج افشار. تهران: فردوسی و عطار.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۶۸). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. جلد اول. تهران: دانشگاه تهران.

- کرمانی. ناظم الاسلام (۱۳۴۶). *تاریخ بیداری ایرانیان*. به اهتمام سعید سیرجانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- کسروی احمد (۱۳۳۰). *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: امیرکبیر.
- کوزنسوا، ن. آ (بی تا). *اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران*. ترجمه سیروس ایزدی، بی جا: بی نا.
- مراغه ای. زین العابدین (۱۳۵۳). *سیاحت نامه ابراهیم بیگ*. تهران: نشر اندیشه.
- ملکزاده، مهدی (۱۳۷۳). *تاریخ مشروطیت ایران*. جلد چهارم، تهران: انتشارات علمی
- مهاجر، جعفر (۱۹۸۹). *الهجره العالمیه الی ایران فی العصر الصفوی*. بیروت: دارالروضة.
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۱). *نظریه های دولت*. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.
- هدایت، مهدیقلی (۱۳۶۳). *گزارش ایران*. به اهتمام محمدعلی صوتی. تهران: نشر نقره.

